

فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸

صص: ۱۶۴-۱۳۹

## نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی مطالعه موردی: شهرستان مرزی گرمی

وکیل حدیدی ساربان<sup>۱</sup> - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل،

ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۰

### چکیده

تقویت امنیت مرزی تنها به عوامل بیرونی از جمله تقویت نیروی نظامی و انتظامی و سایر اقدامات سخت‌افزاری بستگی ندارد بلکه، به تغییر و تحولات درونی افراد روستایی ساکن در مناطق مرزی به واسطه تغییر در ناحیه باورها، احساسات، عواطف و هیجانات و خواسته‌ها و تقویت احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعلق سرزمینی و میهنی آنان بستگی زیادی دارد. هدف این پژوهش تبیین رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی با تقویت امنیت مرزی در مناطق روستایی شهرستان گرمی است. این تحقیق از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی است. روش گردآوری داده‌ها به دو صورت (اسنادی) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی بخش مرزی موران شهرستان گرمی می‌باشد (N=۹۷۸۵)، که از این بین تعداد ۳۷۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. با استفاده از آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۵ الی ۰/۸۹ به دست آمد. یافته‌های پژوهش حاکی از این واقعیت است که هر چه قدر روستاییان احساس مسئولیت‌پذیری بیشتری در مقابل صیانت از مرزها داشته باشند به همان میزان، میل صیانت از مرزها در وجود آنان شعله‌ور شده و به حفظ و صیانت از مرزها مبادرت نموده و به جای نقش ناظر، نقش عامل را در صیانت و پاسداری از آن بازی می‌کنند. نتایج تحقیق نشان داد که به جز مؤلفه بعد زیست‌محیطی، بین تمامی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی (بعد جامعه‌ای، بعد فرهنگی، بعد اقتصادی و بعد سیاسی) با تقویت امنیت مرز رابطه معنی‌داری وجود دارد. در خاتمه، با توجه به تحلیل نتایج پیشنهادها کاربردی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** امنیت مرز، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدیریت توسعه روستایی، شهرستان گرمی.

## مقدمه

مرز، مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از دیگر واحدها است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳) مرزها خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود واحدهای سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. این خطوط، ضمن تعیین حدود قلمرو حکومت، تعیین‌کننده اختیارات دولت آن حکومت‌ها نیز هستند (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۱۶۱) افزون بر این، مرز سیاسی به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو و حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار و غیره مانع ایجاد می‌کند (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۳). امروزه امنیت مرزها و تمامیت سرزمینی بزرگ‌ترین دغدغه کشورها به شمار می‌رود و امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالاها و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بدیهی است که امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوع آن در داخل کشور است. هرگونه ناامنی در مرز قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطایی، ۱۳۷۴: ۸۵) و نیز، مسئله امنیت در مرزها روند توسعه و امنیت کشور را متأثر کرده به طوری که کشورهایی که مناطق مرزی آن‌ها درگیر ناامنی است دریافته‌اند که به دلایل مختلف این ناامنی گسترش یافته و به تدریج کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (حیدری ساربان و صائب، ۱۳۹۵: ۲). تقویت امنیت مرزها نمی‌تواند تنها محدود به عوامل اقتصادی، زیربنایی، فیزیکی، اطلاعاتی و آموزشی باشد؛ بلکه عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز بر این فرآیند مؤثر است. و مسئولیت‌پذیری فرآیندی است که فرد باید از اولین سال‌های کودکی بیاموزد تا با وظایف پرشماری که در زندگی با آن‌ها روبرو می‌شود، مسئولانه برخورد کند (حیدری ساربان، ۱۳۹۸: ۱۱۴). از آنجایی که حفاظت

از مرزهای هر کشور از اهم مسائل حکومت است، دولت‌های یک‌صد ساله اخیر حاکم بر کشورمان سیاست‌های متعددی را برای مرزنشینان اتخاذ نموده‌اند. این سیاست‌ها عمدتاً به منظور کاهش بیکاری، فقر، مفاسد گوناگون اجتماعی، ایجاد اشتغال، کاهش قاچاق کالا، برقرار عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه‌های مهاجرت و غیره بوده است. این در حالی است که به بعد روان‌شناختی و فردی حفاظت مرزی عنایت کمتری شده است. یعنی باید به مرزنشینان از منظر روانی و فردی و رفتاری توجه داشت به این خاطر، مرزنشینان ضمن آن که خود را متعلق به قلمروی مشخص می‌دانند، خویشتن را شهروند و نوعی «فضای ذهنی و متصور» نیز به شمار می‌آورند. به این ترتیب مرز نه خطی جداکننده بین افراد و گروه‌ها، بلکه اجتماعی است با توانمندی‌ها، انرژی، جهت و آینده خاص خود. و این در حالی است، مطالعات متعدد در خصوص امنیت مرز گویای این واقعیت است که ساکنان مناطق مرزی به‌ویژه روستاییان همیشه نقش تأثیرگذاری در صیانت از مرزها به دلیل روان‌شناختی، دینی و مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ملی و حیثیتی و ... داشته‌اند و به این خاطر، موضوع مورد مطالعه در این مقوله بررسی تبیین رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی با تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی شهرستان گرمی است و نیز، مطالعات متعدد گویای این واقعیت است که عوامل گوناگونی بر تقویت امنیت مرز دخالت دارند که نبود و تضعیف آن‌ها صیانت از مرزها را ناکام گذاشته و ضمن ایجاد چالش برای تحقق توسعه پایدار روستایی، توسعه ملی را نیز با اختلال مواجه می‌سازد بر همین اساس، شناسایی اثرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر امنیت مرز از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای تقویت امنیت مناطق مرزی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی راهبردی دولت‌ها در مناطق روستایی خواهد داشت. هم‌چنین مطالعات میدانی نگارنده در نواحی روستایی شهرستان گرمی حاکی از این واقعیت است همواره مشکلات و مصائب فراوانی در صیانت از مرزها وجود داشته که مشکلات و معضلاتی را در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی ایجاد نموده است که می‌توان با تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر این

مشکلات فائق آمد به این دلیل که صاحبان اصلی صیانت از مرزها خود روستاییان می‌باشند لذا تغییر و تحول در مبانی فکری، فرهنگی، شخصیتی، روانی و غیره روستاییان ساکن در مناطق مرزی می‌تواند به تقویت امنیت مرزی با حداقل هزینه کمک نماید و افزون بر این، هر چه قدر روستاییان شهرستان گرمی از توانمندی‌های روانی و ذهنی شایسته و بایسته برخوردار باشند به همان میزان، احساس مسئولیت‌هایشان در قبال صیانت از مرزها رو به فزونی می‌گذارد افزون بر این، انسجام و عقلانیت (به‌ویژه عقلانیت ارتباطی) و خود اثربخشی و خود کارآمدی روستاییان در تقویت مرزها تأثیرگذار است یعنی ذهن علمی، قاعده‌مندی، پاسخ‌گویی، شخصیت و منش رفتاری و روحیه تعلق سرزمینی و میهنی روستاییان شهرستان گرمی در تقویت مناطق مرزی نقش اساسی می‌تواند ایفا کند یعنی هر چه قدر روستاییان مرزنشین شهرستان گرمی از ذهن متمرکز، قاعده‌پذیر، پاسخ‌گو، سلسله‌مراتبی، تسلسلی در سطح فردی و جمعی برخوردار باشند مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان رو به فزونی گذاشته و در نقطه مقابل آن حراست و صیانت از مرزها تحقق می‌یابد. و نیز، با توجه به موارد اشاره‌شده، هدف اساسی این مطالعه با توجه به نیاز مناطق روستایی در جهت وجود زمینه‌های شکل‌گیری تقویت امنیت مرزی، بررسی اثرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تقویت امنیت مرزی در مناطق روستایی شهرستان گرمی است. در راستای هدف، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرز در مناطق روستایی شهرستان گرمی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

### پیشینه پژوهش

حیدری ساربان و صائب (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت مرز از دیدگاه مردم محلی» نشان داد که مهم‌ترین عوامل بهبود امنیت مرز از دیدگاه ساکنان محلی در منطقه مورد مطالعه شامل ۴ مؤلفه (تقویت نهادی و تمرکز بر عدالت محوری، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای آگاهی، رونق اقتصادی و تقویت امنیت روانی و احساس

تعلق مکانی) است. بابائیان و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی ناجا در تأمین امنیت» دریافته‌اند که چهار عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل اجتماعی-دینی، فرهنگی، سیاسی و شغلی-سازمانی بر موضوع امنیت تأثیر داشته است. مطالعات برون‌تو جیلی (۲۰۰۵)، حاکی از این واقعیت است که بین بروز رخدادهای تنش‌زا، تبعیض و شکاف طبقاتی بین مناطق دورافتاده مرزی و مناطق توسعه‌یافته مرکزی، ایجاد رفاه نسبی برای دست‌یابی به عدالت اجتماعی و خدمات‌رسانی به مردم جهت فراهم آوردن فضای آرام از بعد اجتماعی با تقویت امنیت مرز رابطه معناداری وجود دارد. زینر (۲۰۱۲)، در مطالعات خود دریافت که بین میزان آگاهی، سرمایه اجتماعی، و دین‌داری شهروندان روستایی با تقویت امنیت مرز رابطه وجود دارد. به باور سیلویا و همکاران (۲۰۱۳)، روحیه مشارکت و تعاونی، حس تعلق مکانی، وظیفه‌شناسی و پایبندی به اصول اخلاقی از متغیرهای تأثیرگذار در تقویت امنیت مرز در مناطق روستایی محسوب می‌شود. به عقیده لاین (۲۰۰۷)، مشارکت سیاسی، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر نظم سیاسی جامعه، میزان وفاداری عملی به کشور، دولت و سرزمین روستاییان مرزنشین به تقویت امنیت مرز مساعدت می‌کند. به‌زعم کوران و گلوسن (۲۰۰۹)، تقویت امنیت مرز تابعی از تقویت متغیرهایی شامل رعایت حقوق دیگران توسط افراد، رعایت هنجارها و قوانین، احترام به ارزش‌ها و نمادها و رعایت عدالت در مبادله در صرفه‌جویی در مصرف در راستای منافع جمعی توسط روستاییان ساکن در مناطق مرزی می‌باشد.

### مبانی نظری

ماکس وبر، مرزها را ناشی از محدود بودن فضا برای اعمال قدرت دولت‌ها و ایجاد سرزمین می‌داند که مرزها جدال قدرت را بر اعمال حاکمیت بر سرزمین‌ها محدود کرده و با جدایی دو گروه، احساس هویت، تعلق و وابستگی سیاسی میان افراد یک ملت ایجاد می‌کند (Weber, 2012: 1). بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیرامون مناطق مرزی نظریات

متعددی طرح شده است به باور هانس، محرومیت، توسعه نیافتگی و حاشیه‌ای بودن از نکات منفی مرزها به شمار می‌رود و ایشان خطر تهدید نظامی را مهم‌ترین نکته منفی در مرزها تلقی می‌کند. یکی دیگر از نظریات «نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت» است. بر مبنای این نظریه، جهت تحقق امنیت مناطق مرزی، ابتدا باید فرآیند توسعه و شکوفایی اقتصادی منطقه کلید بخورد تا فرآورده امنیت از دل این توسعه و شکوفایی حاصل آید. پس مطابق این نظریه، توسعه ابزار و آلت تحکیم و تثبیت امنیت مناطق مرزی است (حیدری ساربان و یاری حصار، ۱۳۹۷: ۳۳). نظریه بعدی «نظریه قائل به درک متقابل توسعه و امنیت» است در این نگرش فرض بر این نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر تقدم دارند بلکه، چنین می‌پندارند که امنیت و توسعه ارتباط هم‌عرض و هم‌سنگ با همدیگر دارند (Narayan, 2003: 25). نگرش سوم قائل به درک متقابل توسعه و امنیت است. در این نگرش، عقیده غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم‌اند، بلکه ارتباط هم‌عرض و هم‌سنگ توسعه و امنیت بر آن حائز اهمیت است.

در ارتباط با چگونگی دیدگاه دولت‌ها به مرزهای خود سه پارادایم واقع‌گرایانه، انتقالی و جهانی مطرح هستند. در پارادایم واقع‌گرایانه دولت مهم‌ترین بازیگر در عرصه مدیریت مرزها است که آن‌ها را جهت حفظ حاکمیت، کنترل و محافظت می‌کند. در پارادایم انتقالی یا بینابین همچنان بر نقش دولت در کنترل مرزها تأکید می‌شود با این تأکید که مرزها را نه به عنوان سد بلکه به عنوان پل‌هایی که می‌توانند مفید باشند؛ می‌نگرند و در این راستا برخی آزادی‌های گمرکی و خدمات‌دهی به مناطق مرزی انجام می‌گیرد. در پارادایم جهانی که در حال حاضر خیلی مقبول است دیگر مرز به عنوان مانع عمل نکرده و اقدامات انسدادی انجام نمی‌گیرد و دولت با بازیگران غیردولتی و بین‌المللی وارد تعامل می‌شوند و قلمرو مرز به منطقه مرزی می‌رسد که بیش‌تر تحت تأثیر تغییر و تحولات بین‌المللی است تا دولت‌های ملی (Moraczewska, 2010: 336-337). یافته‌های علمی نشان می‌دهد که تقویت مناطق مرزی تنها با اقدامات سخت‌افزاری ممکن نیست به این دلیل که اقدامات

سخت‌افزاری نه تنها مستلزم هزینه زیادی می‌باشد که باید دولت در این مسیر متقبل بشود بلکه تمهیدات سخت‌افزاری کارایی و اثربخشی کمتری را نیز در تقویت امنیت دارد از این رو، امروزه اقدامات و تمهیدات نرم‌افزاری از جمله تقویت سرمایه اجتماعی، تقویت حس تعلق سرزمینی و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی مرزنشینان و غیره بایستی در اولویت برنامه‌های دولت در راستای تقویت مرز قرار گیرد از این رو بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرز رابطه وجود دارد و مسئولیت‌پذیری فرآیندی است که فرد باید از اولین سال‌های کودکی بیاموزد تا با وظایف پرشماری که در زندگی با آن‌ها روبرو می‌شود مسئولانه برخورد کند. مسئولیت حاصل سه ویژگی تشخیص، تصمیم و خلاقیت است. بنابراین اشخاص مسئولیت‌پذیر با وجدان، مطمئن، جدی و احتمالاً مقرراتی هستند. و نیز، مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای بعد شناختی، بعد عاطفی و بعد عملکردی است که در بعد شناختی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رشد آگاهی و معرفت نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی در راستای مطلع کردن افراد از ماهیت جامعه و ضرورت تلاش آنان برای انجام دادن وظایف و رسالت‌های اجتماعی خویش تأکید می‌شود به این خاطر که عدم توجه و یا بی‌توجهی به رشد آگاهی و عدم خلق معرفت لازم نسبت به انواع مسئولیت‌های اجتماعی، مترادف با فقدان شکل‌گیری اولین مبنای ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. در بعد عاطفی تلاش می‌شود تا فرد نسبت به پذیرش انواع مسئولیت‌های اجتماعی و ایفای فعالانه آن‌ها در صحنه جامعه برانگیخته شود (Arora & Puranik, 2006:95). به‌زعم هلی (۲۰۰۵)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن نوع شایستگی را شامل می‌شود که انسان‌ها را وامی‌دارد تا مراقب کار و کوشش خود باشند و در جهت علایق دیگران و گروه‌ها گام بردارند که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف و نگرانی‌های آن قرار دارند در کل مسئولیت‌پذیری اجتماعی عامل اتصال و پیوند جوامع و گروه‌های اجتماعی است. به عقیده فورد (۱۹۸۵)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیروی از قوانین اجتماعی و برآوردن انتظاراتی است که جامعه از فرد دارد. این قوانین از نقش‌های

اجتماعی استنباط شده و در واقع بیان‌کننده هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است و چگونگی و میزان تعهد و التزام فرد نسبت به افراد دیگر جامعه را نشان می‌دهد. در کل، مسئولیت‌پذیری اجتماعی عبارت است از: احساس تعهد و رفتار مسئولانه‌ای که افراد به‌عنوان کنشگران اجتماعی در قالب نقش‌های خود در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی از خود بروز می‌دهند. شایان ذکر است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای ابعاد متعدد می‌باشد، در این خصوص بلکیرن (۲۰۰۷)، بر این اعتقاد است که می‌توان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در قالب ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد بررسی قرار داد. همسو با دیدگاه بلکیرن، از منظر بدس مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای پنج بعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جهانی و مسئولیت‌پذیری در فضای باز است. در این نوشتار، با لحاظ کردن ویژگی‌ها و خصوصیات منطقه مورد مطالعه از تلفیق سنخ‌شناسی دو اندیشمند بهره گرفته شده است که عبارت‌اند از: بعد اقتصادی، جامعه‌ای، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

در بعد اقتصادی باید گفت که یکی از موقعیت‌هایی که افراد در درون آن بر اساس نقش‌های گوناگون عمل می‌کنند حوزه و موقعیت اقتصادی از منظر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف کالا است. به باور میلر (۲۰۱۰)، چون افراد به‌عنوان کنشگران در درون هر یک از این عرصه‌ها دارای حقوق و وظایفی می‌باشند، توجه به آن‌ها در نیل به بهبود کارکرد و تسریع روند امور این نهاد ضروری است. لذا از فرد به‌عنوان یک شهروند این انتظار به‌حق می‌رود که در صورت قرار گرفتن در هر یک از این موقعیت‌های اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را پاس بدارند. مضاف بر این، از زاویه بعد سیاسی باید گفت که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان روستایی و شهری در بعد سیاسی دارای سطوح گوناگون است. که یکی از مهم‌ترین آن سطح جامعه‌ای می‌باشد که ناظر بر عملکرد شهروندان در ارتباط با دولت-ملت است. در این راستا به عقیده مک‌کوان (۲۰۰۹)، شاخص‌های مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، پیگیری اخبار و رویدادهای سیاسی مرتبط با کشور پیش‌کشیده



می‌شود. در اهمیت و ضرورت این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی همین بس که تحقق واقعی مفهوم شهروندی در این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی تبلور و تجلی پیدا می‌کند. بعد دیگری از مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بعد جامعه‌ای-اجتماع می‌باشد که معنای محوری این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ناظر بر تعهد کنشگران به مجموعه‌ای از قواعد، قوانین و هنجارها جهت نظم بخشیدن و هماهنگ نمودن روابط میان کنشگران است. این هنجارها و قواعد مبنای کنش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد را مهیا می‌سازند و در کل، اساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این بعد مبتنی بر رعایت حقوق دیگران، نوع‌دوستی و مشارکت اجتماعی است. بعد فرهنگی، بعد دیگری از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. این حوزه که به‌عنوان حوزه نرم شناخته می‌شود اهمیت وافری برای متفکران علوم اجتماعی دارد به این دلیل که، یک جامعه و افراد تشکیل‌دهنده آن به‌واسطه این ارزش‌ها، باورها و نمادهای مشترک است که معنا پیدا کرده و در قالب آن هویتشان تعریف می‌شود. هم‌چنین شهروندان جامعه به‌منظور برقراری ارتباط سالم لازم است تا ضمن یادگیری الگوها و نمادهای فرهنگی جامعه خویش، در عرصه رفتار و عمل نیز به آن‌ها متعهد باشند. در کل، شناخت مجموعه نشانه‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه ملی و احترام و عمل به آن‌ها از بنیان‌های این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان به‌شمار می‌رود. آخرین بعد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بعد زیست‌محیطی است. امروزه در مقابل رفتارهای تهدیدزای محیط‌زیست از جمله آلودگی هوا، گرم شدن کره زمین، نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، تخریب لایه ازن و غیره طرح موضوعاتی چون شهروند زیست‌محیطی و شهروند جهانی می‌تواند دلیلی بر اهمیت این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دوره کنونی تلقی شود. در این خصوص یک شهروند قادر است از یک سو با تعدیل و کنترل رفتارهای پرخطر نسبت به محیط‌زیست و از سوی دیگر با تلاش برای بهبود شرایط آن در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی گام بردارد. در خاتمه، تعریف نهایی بر این مبنا شکل می‌گیرد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به احساس تعهد و رفتار مسئولانه‌ای که افراد روستایی

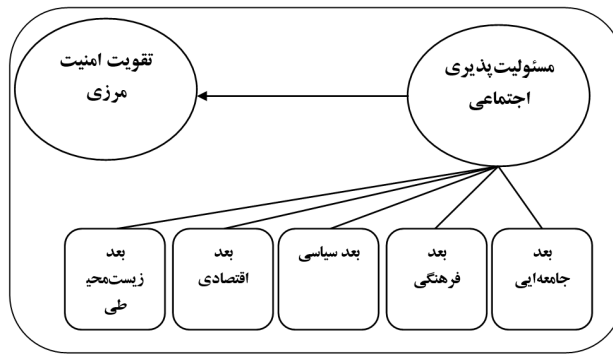
به عنوان کنشگران اجتماعی در قالب نقش‌های خود نسبت به جامعه و ارزش‌های جمعی آن در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی داشته، یا دارند، دلالت می‌کند.

تاکنون با استعانت از نظریه‌های چندی به تبیین مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداخته شده است که از آن بین نظریه نوع‌دوستی متقابل، نظریه یادگیری اجتماعی باندورا و نظریه نقش از برجسته‌ترین آن‌هاست. در خصوص نظریه نوع‌دوستی متقابل باید گفت که در برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی کمک‌رسانی و رفتار نوع‌دوستانه ارزشی نمادین تلقی می‌شود و از آنجا که نوع‌دوستی منبعی برای اتکای مردم در جامعه به شمار می‌رود، بالنفسه ارزشی اجتماعی است (یزدان پناه و حکمت، ۱۳۹۳: ۱۳۱) بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار آموختنی است و نحوه یادگیری رفتار نیز بر اساس قوانین یادگیری مشاهده‌ای استوار است. بر این اساس، جامعه‌پذیری به صورت ناآگاهانه (غیرمستقیم)، با سرمشق قرار دادن و اقتباس رفتار، کردار و گفتار والدین و دیگر اعضای خانواده (مانند خواهر یا برادر) صورت می‌گیرد و بدون آن که خود والدین متوجه باشند، فرزندان رفتار، گفتار و نگرش‌های اجتماعی آن‌ها را به مثابه شیوه‌های رفتار و نگرش مطلوب و مناسب یاد می‌گیرند و به تدریج درونی می‌کنند (شاگری‌نیا، ۱۳۷۶: ۵۹) در نظریه نقش، افراد به ساختار اجتماعی بزرگ‌تری مرتبط‌اند و هر شخص درون تعدادی از نظام‌های پایگامی مواضعی را اشغال می‌کند. نقش مفهومی کلیدی است که فرد و ساختار اجتماعی را با یکدیگر مرتبط می‌کند. با گرفتن نقش و ایفای آن در شبکه اجتماعی هم رضایت فرد و هم رضایت دیگران حاصل می‌شود که این مهم در پرتو رفتار مسئولانه حاصل می‌شود (قدمی و کوثر، ۱۳۹۲: ۷۸).

بیروف، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به عنوان یک ویژگی شخصیتی عالی در افراد می‌دید، که در روابط با دیگران و در موقعیت‌های گوناگون و در عمل خود را نشان می‌دهد (Alen & Mintrom, 2010: 69). به باور میلر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاق

مسئولیت لازمه کنش جمعی است. وی ضمن اشاره به سه نوع مسئولیت یعنی مسئولیت طبیعی، مسئولیت‌پذیری مبتنی بر نقش و مسئولیت‌پذیری اخلاقی، توجه به حقوق را اصلی‌ترین عنصر در آن‌ها می‌دید. به زعم میلر، عامل وابستگی افراد به یکدیگر و مداخله آن‌ها در امور گوناگون جامعه، عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد (Miller, 2004: 236-239). وبر در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی، از چهار نوع کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به ارزش و کنش عقلانی معطوف ارزش یاد می‌کند. از منظر ایشان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. هم‌چنین ایشان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مترادف با اخلاق مسئولیت می‌دانست و مهم‌ترین خصلت آن را آزادی و آزاد بودن فرد عنوان می‌کرد (Turner & Rojek, 2001: 115-117). پارسونز، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌دانست که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۴۰). ایشان استدلال می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران اجتماعی در قالب موقعیت‌های اجتماع جامعه‌ای، جایی که عرصه تعاملات و کنش‌های اجتماعی است، قابل‌بررسی است (چلبی، ۱۳۸۹: ۹۷). پارسونز بر این باور بود که چنانچه افراد دامنه تصمیم‌گیری و قضاوت اجتماعی را به کل نظام بسط دهند، آنگاه شاهد توجه به منافع جمعی و ارزش‌های نوع‌دوستی و در کل مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه خواهیم بود. به عقیده زتومکا، یک اجتماع اخلاقی بیش‌تر با احساس تعهد، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و تعهد نسبت به دیگرانی که با آن‌ها دارای ارزش‌ها، منافع و اهداف مشترکی است، سروکار دارد. یک اجتماع اخلاقی روابط افراد با یکدیگر را به شکل «ما» تعریف می‌کند. مقوله «ما» در قالب سه الزام اخلاقی یعنی اعتماد، وفاداری و اشتراک مساعی با دیگران جلوه می‌کند. اعتماد اشاره دارد به این که ما از دیگران انتظار عمل صادقانه داشته باشیم. وفاداری نیز یعنی التزام به عدم نقض اعتماد در قبال کسانی که به ما اعتماد کرده‌اند. اشتراک مساعی هم، دربرگیرنده این مهم است که در روابط، به منافع دیگران توجه داشته و نسبت به آن‌ها

مسئولیت پذیر باشیم، حتی اگر انجام وظیفه و مسئولیت پذیری مان با منافع شخصی مان در تعارض باشد (زومکا، ۱۳۸۶: ۲۰۳). در کل باید گفت که اندیشمندان علوم اجتماعی، مسئولیت پذیری اجتماعی را به عنوان متغیری مهم در شکل دادن به نظم اجتماعی می دانند. تاکنون مطالعات چندی در خصوص امنیت مرز صوت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می شود.



شکل شماره ۱. چارچوب نظری پژوهشی

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به روش تحلیلی و تبیینی است. جمع آوری اطلاعات بر اساس مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام شده است. جهت جمع آوری اطلاعات، از طریق پرسش‌نامه به روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی بخش مرزی موران شهرستان گرمی که جامعه آماری تحقیق را شامل می شود، مراجعه شد که در این بین، تعداد کل روستاییان بالای ۱۵ سال بخش مرزی موران شهرستان گرمی (۹۷۸۵) نفر برآورد شد؛ حجم نمونه روستاییان ساکن در مناطق روستایی بخش مرزی موران شهرستان گرمی از فرمول کوکران (۳۷۰) نفر تعیین شد. داده‌های خام برای اندازه‌گیری شاخص‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده، پرسش‌نامه، اسناد و مدارک گردآوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه می باشد. در این پژوهش جهت دستیابی به اهداف تحقیق

اقدام به شناسایی ۵ بعد مسئولیت‌پذیری اجتماعی (بعد جامعه‌ای، بعد فرهنگی، بعد سیاسی، بعد اقتصادی و بعد زیست‌محیطی) با مطالعه مناطق روستایی شهرستان گرمی شده است. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما<sup>۱</sup> در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی<sup>۲</sup> بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۵ الی ۰/۸۹ به دست آمد. متغیرهای مستقل این تحقیق، شامل مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی (بعد جامعه‌ای، بعد فرهنگی، بعد سیاسی، بعد اقتصادی و بعد زیست‌محیطی) و متغیر وابسته، تقویت امنیت مرزی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، به وسیله نرم‌افزار SPSS، انجام گرفته است.

### منطقه مورد مطالعه

شهرستان گرمی یکی از شهرستان‌های استان اردبیل در ایران است. این شهرستان در شمال غربی کشور و شمال استان اردبیل بین ۳۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. مساحت شهرستان گرمی ۱۷۲۵/۲ کیلومتر مربع می‌باشد که معادل ۲۳ درصد مساحت کل مغان و ۶/۹ درصد مساحت استان اردبیل می‌باشد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، گرمی شامل سه بخش مرکزی، انگوت و موران و ۹ دهستان و ۳۵۸ آبادی است.

---

1 . Pilot study  
2 . Reliability



شکل شماره ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

### بحث و یافته‌ها

نمونه آماری مورد مطالعه برحسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۵ الی ۷۴ سال قرار دارند. همان طوری که جدول (۳) نشان می‌دهد بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۴۱ سال و بالاتر قرار دارند. بررسی وضعیت تأهل نیز نشان داد ۴۶/۲۱ درصد (۱۷۱ نفر) مجرد و ۵۳/۷۹ درصد (۱۹۹ نفر) در تحقیق حاضر متأهل هستند. بررسی تعداد اعضای خانوار نیز مشخص کرد محدوده سنی ۴ الی ۶ با ۳۵/۶۷ درصد در بالاترین رده و محدوده سنی بالای ۱۰ با ۸/۱۰ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند. که از میان ۳۷۰ نفر نمونه آماری مورد مطالعه، ۸۵ نفر بی‌سوادند (۲۲/۹۷ درصد)، ۱۴/۵۹ درصد با آموزش نهضت سوادآموزی، توانایی خواندن و نوشتن دارند. ۷۵ نفر (۲۰/۲۷ درصد) در مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند و ۵۹ نفر (۱۵/۹۴ درصد) در مقطع راهنمایی و ۵۲ نفر (۱۴/۰۵ درصد) در مقطع متوسطه تحصیل کرده‌اند. ۴۵ نفر (۱۲/۱۸ درصد) نیز مدرک دیپلم دارند. با توجه به این اطلاعات، می‌توان گفت ۵۷/۸۳ درصد از نمونه آماری مورد مطالعه، تحصیلات قابل توجهی ندارند بی‌سواد و کم‌سواد هستند. نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق

نشان می‌دهد وضعیت بعد جامعه‌ای ۶۵/۸۴ درصد پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۴/۰۱ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد بعد فرهنگی وضعیت ۶۵/۸۴ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۳۰/۵۷ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد بعد سیاسی بیش‌ترین فراوانی با (۲۹/۶۱ درصد) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۲/۳۶ درصد) در سطح خیلی کم ارزیابی شدند. در مورد بعد اقتصادی وضعیت ۵۶/۷۸ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۹/۳۲ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد بعد زیست‌محیطی بیش‌ترین فراوانی با (۴۳/۱۳ درصد) در سطح کم و کم‌ترین فراوانی با (۷/۱۱ درصد) در سطح خیلی کم ارزیابی شدند.

جدول شماره ۱. درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل

انحراف معیار	میانگین	درصد پاسخ‌گویان					متغیر
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴/۳۳	۵/۳۳	۳۲/۰۲	۳۳/۸۲	۱۰/۱۵	۱۷/۴۲	۶/۵۹	بعد جامعه‌ای
۶/۶۶	۳/۸۷	۲۴/۴۶	۴۱/۳۸	۳/۵۹	۲۳/۹۲	۶/۶۵	بعد فرهنگی
۱/۳۰	۳/۲۴	۲۲/۳۴	۱۹/۹۴	۲۹/۶۱	۲۵/۹۹	۲/۳۶	بعد سیاسی
۱۱/۲	۲/۶۷	۲۵/۲۱	۳۱/۵۷	۱۳/۹۰	۹/۱۳	۲۰/۱۹	بعد اقتصادی
۱۱/۶۵	۱/۸۷	۱۸/۱۱	۲۰/۵۴	۱۱/۱۱	۴۳/۱۳	۷/۱۱	بعد زیست‌محیطی

برای بررسی همبستگی بین مؤلفه‌های پژوهش مبنی بر تبیین رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین مؤلفه‌های بعد جامعه‌ای، بعد فرهنگی و بعد سیاسی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است و رابطه بین مؤلفه بعد سیاسی با متغیر وابسته امنیت مرزی در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و

ضمن این که بین مؤلفه بعد زیست محیطی با متغیر امنیت مرزی رابطه معنی داری مشاهده نشده است.

جدول شماره ۲. نتایج ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه بین دو متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی

و امنیت مرزی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار (r)	مقدار (p)
مسئولیت پذیری اجتماعی	بعد جامعه‌ایی	۰/۳۸۹	۰/۰۰۰
	بعد فرهنگی	۰/۲۹۸	۰/۰۰۳
	بعد سیاسی	۰/۱۶۹	۰/۰۴
	بعد اقتصادی	۰/۴۲۱	۰/۰۰۰
	بعد زیست محیطی	۰/۰۶۸	۰/۷۸۵

پیرامون ارتباط معنادار بین بعد جامعه‌ایی مسئولیت پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی باید گفت که اساس مسئولیت پذیری اجتماعی در این بعد مبتنی بر رعایت حقوق دیگران، نوع دوستی و مشارکت اجتماعی است. به عنوان نمونه، شهروندان روستایی ساکن خطوط مرزی باید به این امر واقف باشند که در یک جامعه، تنها نیستند به عبارتی، در یک جامعه در تفرد خوشان به سر نمی‌برند بلکه در کنار مجموعه‌ای از افراد با عنوان شهروندان مدنی زندگی می‌کنند، و به صورت مولکول‌های هوا در عین مجاورت در کنار یکدیگر، تمیزه نشده‌اند بلکه همبستگی اجتماعی در بالاترین حد خود را تجربه می‌کنند و در عین گشادگی دل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند نه تنگی جا. پس پیگیری منافع فردی نایستی به قیمت نادیده انگاشتن منافع جمعی و ارزش‌های جمعی حاصل شود. این اندیشه که همه ما افراد یک جامعه و نسبت به اعمال و رفتار یکدیگر مسئولیت پذیر هستیم، مورد توجه جدی قرار گیرد چون که ما سرشت و سرنوشت مشترک داریم و در یک کشتی نشسته‌ایم که در صورت مشکل پیدا کردن کشتی و به عبارتی آسیب دیدن امنیت مرزی همه از این امر متضرر می‌شویم. در خصوص ارتباط معنادار بین بعد فرهنگی مسئولیت پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی باید گفت هرچقدر



باورها، احساسات و عواطف و هیجانات و خواسته‌های ما در این راستا شکل بگیرد که اصولاً نیاز به امنیت بعد از نیازهای فیزیولوژیکی قرار دارد پس با تمام وجود در مقام نظر به آن اندیشه کرده و در مقام عمل به صیانت از آن اهتمام می‌ورزیم. و از آنجا که فرهنگ، معنا بخش حیات اجتماعی و جهت دهنده رفتارها و اندیشه‌های همه شهروندان به‌طور اعم و شهروندان روستایی به‌طور اخص است و از آنجایی که بسیاری از رفتارهای ما بر اساس باورهای فرهنگی ما شکل می‌گیرد و به عبارتی تغییر و تحول در ناحیه باورها، احساسات، عواطف و هیجانات و خواسته‌ها (تغییر و تحولات انفسی) است که به تغییر و تحول در ناحیه گفتار و کردار (تغییر و تحولات آفاقی) منجر می‌شود پس در خصوص پیوند بین بعد فرهنگی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت مرزی مناطق روستایی باید گفت که تغییر و تحولات انفسی (فرهنگ) به تغییر و تحولات آفاقی (امنیت مرز) ختم می‌شود، افزون بر این از آنجا که فرهنگ را مجموعه‌ای از آگاهی‌های اندوخته شده به‌وسیله فرد دانست که انواع ارزش‌های او را برای ادامه و استمرار زندگی به وجود می‌آورد پس روشن می‌شود که ارزش صیانت و حفاظت از مناطق مرزی برای استمرار و تداوم حیات هر قوم و ملت و هر شهروند از اهمیت به‌غایت فراوانی برخوردار است و در این ارتباط است که، روستاییان ساکن در مناطق مرزی باید به آن اهتمام جدی داشته باشند.

در خصوص ارتباط معنادار بین بعد سیاسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی ذکر این نکته ضروری است که هرچقدر روستاییان این احساس را داشته باشند که شهروند جامعه خود محسوب می‌شوند به عبارتی شهروند درجه دو و یا سه و ... نیستند به همان میزان، به حفظ و حراست از مناطق مرزی حساسیت بیش‌تری به خرج می‌دهند چون هر شهروند وظیفه شهروندی خودش می‌داند که در مقابل کوچک‌ترین مسائل جامعه خود حساس بوده و در صورت بروز مشکل نسبت به حل مسائل و رفع مشکلات آستین بالا بزند. البته در این راستا، دولت باید با اقدامات مداخله‌ای خود میزان آگاهی شهروندان روستایی را ارتقای ببخشد و روابط قدرت در سطح بین‌الملل را به

شهروندان روستایی آموزشی بدهد و این نکته را با وضوح بیش تر به آستانه آگاهی روستاییان برساند که کشورهای متخاصم اصولاً فرش قرمز برای هیچ یک از کشورهای دیگر پهن نکرده و پهن نخواهند کرد و تنها کشورهای پیشرفته و متخاصم به یک نکته اندیشه می کنند آن هم ارتقای منافع ملی خودشان به هر قیمتی و با هر ابزاری از جمله کودتا، انقلاب، جنگ، مرکز گریزی و ... در کشورهای دیگر می باشد و در رسیدن به منافع ملی خودشان حاضر هستند تمامی دستاوردهای مادی، معنوی، تکنولوژیکی، فن آوری، علمی، معرفتی، فرهنگی و غیره کشورهای دیگر را در کوتاه ترین زمان ممکن به باد هوا دهند. چون مشکل افراد این مرزوبوم به عقیده نگارنده این سطور در این امر نهفته است که اولاً، شهروندان این مرزوبوم کشورهای پیشرفته را منجی کشورهای جهان سوم می دانند به عبارتی به دنبال معجزه کشورهای پیشرفته هستند تا یک زندگی خوب را برای آنان هموار سازد و ثانیاً، به این می اندیشند که یک حرکت رادیکال و انقلابی صورت گیرد تا در عرض چند روز و یا چند ماه زندگی خوب و خوش و سعادت مند نصیب آنان بشود و البته این یک خیال واهی و پوچ است که با بالا بردن آگاهی سیاسی شهروندان می توان از این مشکل و سو فہم به سلامت عبور کرد البته با کمال تأسف که کوچک ترین حرکتی در این زمینه صورت نمی گیرد.

پیرامون ارتباط معنادار بین بعد اقتصادی مسئولیت پذیری اجتماعی و تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی باید گفت روستاییان به عنوان کنشگران در درون هر یک از حوزه های تولید، توزیع و مصرف دارای حقوق و وظایفی می باشند، که توجه به آنها به منظور بهبود کارکرد و تسریع روند امور این نهاد ضروری است. از شهروندان روستایی ساکن مناطق مرزی انتظار می رود که در صورت قرار گرفتن در هر یک از موقعیت های اقتصادی مسئولیت پذیری اجتماعی را پاس بدارند. فی المثل در عرصه تولید به سرمایه گذاری بی اندیشند البته از طریق کار آفرینی و تولید. یعنی به تولید مبادرت ورزند و از قبل تولید بتوانند میزان بیکاری را در مناطق مرزی تقلیل داده و اشتغال زایی را بهبود ببخشند و واضح

است به‌واسطه اشتغال‌زایی برای روستاییان درآمذزایی شده و به‌واسطه درآمذزایی انباشت ثروت ایجاد می‌شود و این درآمد انباشت شده دوباره سرمایه‌گذاری شده و در چرخه تولید به کار می‌افتد. در عرصه توزیع، روستاییان بانظم، عدالت و انصاف در مبادله‌ها می‌توانند به روند توزیع عادلانه محصولات تولیدی در جامعه مدد رسانند. و در عرصه مصرف، شهروندان روستایی می‌تواند در قالب صرفه‌جویی و استفاده بهینه از محصولات تولیدی، زمینه رشد اقتصادی جامعه روستایی را فراهم ساخته و از هدر رفتن منابع جلوگیری کنند که درنهایت، همه این موارد به نشاط و شکوفایی اقتصادی دامن زده و روستاییان را به صیانت و حفاظت از مرزها جهت حفظ منافع خودشان ترغیب می‌کند.

### نتایج رگرسیون چند متغیره

در این روش بر اساس بتای استاندارد به‌دست آمده مؤلفه‌های بعد جامعه‌ای، بعد اقتصادی، بعد فرهنگی و بعد سیاسی به ترتیب به‌عنوان مؤلفه‌های بودند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند. لذا این متغیرها در مدل نهایی باقی‌مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. نتایج نشان می‌دهد این مؤلفه‌های پیش‌بین ۳۰ درصد ( $R^2 = 0/30$ ) از میزان واریانس متغیر وابسته (تقویت امنیت مرزی) را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب تعیین بیان‌گر این است که مؤلفه‌های دیگری نیز در میزان تقویت امنیت مرزی تأثیرگذار بوده‌اند که در مطالعه حاضر بررسی نشده است. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را در گام نهایی نشان می‌دهد. جدول (۳) و (۴) اطلاعات مربوط به این تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهند. به‌منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات به‌دست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این پژوهش، با معادله زیر می‌توان میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را با تقویت امنیت مرزی در منطقه مورد مطالعه تخمین زد:

$$y = 42.88 + 7.52(X_1) + 5.65 (X_2) + 4.51 (X_3) + 2.59 (X_4)$$

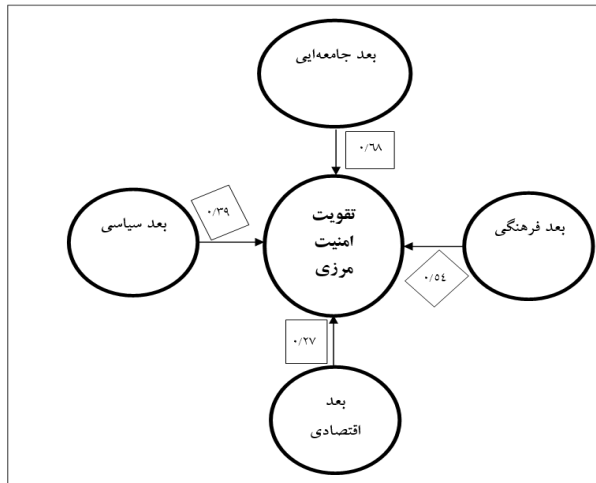
**جدول شماره ۳. ضرایب رگرسیون چندمرحله‌ای برای تبیین رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و امنیت مرزی**

نام متغیر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین $R^2$	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار (F)	مقدار (p)
بعد جامعه‌ایی	۰/۲۹۰	۰/۰۸۴	۰/۰۸۰	۲۰/۹۳	۰/۰۰۰
بعد فرهنگی	۰/۴۳۲	۰/۱۸۷	۰/۱۸۰	۲۶/۰۷	۰/۰۰۰
بعد سیاسی	۰/۵۰۹	۰/۲۵۹	۰/۲۴۹	۲۶/۲۸	۰/۰۰۰
بعد اقتصادی	۰/۵۵۵	۰/۳۰۸	۰/۲۹۵	۲۴/۹۹	۰/۰۰۰

**جدول شماره ۴. ضرایب متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون نهایی برای تبیین رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و امنیت مرزی**

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد نشده خطای معیار	ت	مقدار (p)
	ضریب ورود	بتا ( $\beta$ )			
عدد ثابت (عرض از مبدأ)	۴۲/۸۸	-----	۲/۴۷	۱۷/۳۰	۰/۰۰۰
بعد جامعه‌ایی (X1)	۷/۵۲	۰/۶۸۲	۰/۹۰۵	۸/۳۱	۰/۰۰۰
بعد فرهنگی (X2)	۵/۶۵	۰/۵۴۸	۰/۸۷	۶/۵۰	۰/۰۰۰
بعد سیاسی (X3)	۴/۵۱	۰/۳۹۵	۰/۷۵۸	۵/۹۵	۰/۰۰۰
بعد اقتصادی (X4)	۲/۵۹	۰/۲۷۷	۰/۶۴۹	۳/۹۹	۰/۰۰۰

در نهایت اطلاعات مندرج در شکل (۳)، نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر «بعد جامعه‌ایی» در تبیین متغیر وابسته «تقویت امنیت مرزی» بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای بعد فرهنگی، بعد سیاسی و بعد اقتصادی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.



شکل شماره ۳. اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین امنیت مرزی

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تبیین رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقویت امنیت مرزی پرداخته شد. نتایج یافته‌های توصیفی نشان داد که از بین میانگین مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مؤلفه بعد جامعه‌ای با میانگین (۳۲/۰۲) در رتبه اول و مؤلفه بعد زیست‌محیطی با میانگین (۱۸/۱۱) در رتبه آخر قرار دارد و افزون بر این، تحلیل‌های آمار استنباطی نشان داد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تقویت امنیت مرزی مناطق روستایی شهرستان گرمی تأثیرگذار بوده است. همان‌طوری که، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه بین مؤلفه‌های بعد جامعه‌ای، بعد فرهنگی و بعد سیاسی در سطح ۱ درصد مثبت شده است و رابطه بین مؤلفه بعد سیاسی با متغیر وابسته امنیت مرزی در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن این که بین مؤلفه بعد زیست‌محیطی با متغیر امنیت مرزی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. که این تحقیق با نتایج تحقیقات حیدری ساربان (۱۳۹۵)، بائیان و همکاران (۱۳۹۴)، قالیباف و همکاران (۱۳۸۷)، سلویا و همکاران (۲۰۱۳) و زینر (۲۰۱۲) هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین

مؤلفه‌های تحقیق، ۴ مؤلفه توسط کامپیوتر در معادله باقی ماندند و این ۴ مؤلفه توانستند ۳۰ درصد از تغییرات را تبیین نمایند که این تحقیق با نتایج تحقیقات کوران و گلوسن (۲۰۰۷) و سلویا و همکاران (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. و نتایج تحقیق نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی از مهم‌ترین ارکان تقویت امنیت مناطق مرزی از طریق تقویت مؤلفه‌های بعد جامعه‌ای، بعد فرهنگی، بعد سیاسی و بعد اقتصادی است. در خاتمه با استناد به نتایج تحقیق، شایسته است زمینه مشارکت افراد روستایی شهرستان گرمی را در برنامه‌های توسعه‌ای مناطق روستایی اعم از برنامه‌های عمرانی و سایر برنامه‌های مرتبط با توسعه مناطق روستایی فراهم ساخت به این سبب که، مشارکت باعث می‌شود روستاییان مسئولیت‌پذیر به بار آیند و اگر احساس کنند که به بطن کشیده می‌شوند در قبال مسائل گوناگون اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی احساس مسئولیت کرده و هزینه دولت را در تأمین امنیت مناطق مرزی تقلیل داده و صیانت از مرز را به بهترین نحو ممکن محقق می‌سازند. افزون بر این، از آنجایی که آموزش از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی روستاییان شهرستان گرمی است لذا مطلوب است نهاد آموزش از طریق سازمان مدارس و دانشگاه‌ها به صورت برنامه درسی آشکار و پنهان، جوانان و نوجوانان جامعه روستایی شهرستان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از همان آغاز تعلیم و تربیت رسمی باید مورد توجه قرار دهند در واقع نهاد آموزش در رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی روستاییان شهرستان گرمی از طریق برنامه درسی مستقیم و غیرمستقیم باید به ابعاد (شناختی، عاطفی و عملکردی) توجه کند. بر دولت است که به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی تنوع بیش‌تری ببخشد یعنی بایستی اقداماتی صورت گیرد تا تجارت (خدمات)، کشاورزی، دام‌پروری و صنعت در مناطق مرزی بیش‌تر شکوفا شود به این دلیل که، اگر روستاییان از منظر اقتصادی از برخورداری و رفاه بیش‌تری برخوردار باشند در صورت بروز مشکلات مرزی از منظر امنیتی، در بدینانه‌ترین حالت به خاطر منافع اقتصادی خودشان از مرزها حراست و پاسداری می‌کنند و به زبان دیگر،

اگرچه روستاییان تعلق سرزمینی هم نداشته باشند و خاک و تمامیت سرزمینی برای آن‌ها محلی از اعراب نداشته باشد در صورت به مخاطره افتادن امنیت مرزی، به خاطر حفظ منافع فردی آستین بالا زده و از امنیت مرزها دفاع می‌کنند تا منافعی که به خطر نیفتد و اگر این گزاره را قبول داشته باشیم که «تاریخ را منافع می‌سازد» پس بایستی سازوکاری تدبیر شود تا منافع روستاییان به حفاظت و صیانت از مرزها گره بخورد و نه دل‌کندن و پشت کردن به آن. مضاف بر این، باید تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق مرزی در سرلوحه برنامه‌های توسعه‌ای دولت‌های محلی و ملی قرار گیرد چون اگر وفاق، همدلی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و غیره در بین روستاییان پایین باشد چسب اجتماعی، سرشیم و ملاطی که روستاییان مناطق مرزی را به هم پیوند بزند رنگ می‌بازد و در نتیجه پیوندهای اجتماعی در بین روستاییان سست‌تر شده و در صورت بروز مشکلات امنیتی مرزی انسجام لازم جهت سازمان‌دهی روستاییان مناطق مرزی شکل نمی‌گیرد و در نتیجه مرزهای مناطق روستایی بیش‌تر و بیش‌تر آسیب‌پذیرتر شده و چه‌بسا موردتهاجم کشورهای که چشم طمع به این مرزوبوم دارند بشود. در خاتمه این‌که، برانگیختن مسئولیت‌پذیری مدنی و وظیفه‌جامعه‌پذیری نهاد اجتماعی حکومت در جوامع روستایی شهرستان گرمی، برای آمادگی یافتن مسئولیت‌های شهروندی و شهروندمدارانه در قبال پاس داشتن امنیت منطقه به‌طور اعم و صیانت از مرز به‌طور اخص است.

#### منابع:

- ۱) بابائیان، علی؛ علیزاده، حسین؛ زارع، امین (۱۳۹۴) شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی ناجا در تأمین امنیت (مورد مطالعه: استان قزوین)، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۱۷۰-۱۴۹.
- ۲) توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- ۳) جلیبی، مسعود (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.

- ۴) حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۸) بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان روستایی (موردشناسی: نواحی روستایی شهرستان اردبیل)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای، سال ۹، شماره ۳۰، صص. ۱۳۶-۱۱۲.
- ۵) حیدری ساربان، وکیل و صائب، شراره (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت مرز از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: شهرستان گرمی، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۷، شماره ۴، صص. ۱-۲۵.
- ۶) حیدری ساربان، وکیل و یاری حصار، ارسطو (۱۳۹۷) تبیین رابطه پایداری اقتصادی با تقویت امنیت مناطق مرزی روستایی، مطالعه موردی: شهرستان گرمی، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره ۸، شماره ۱، صص. ۴۶-۲۹.
- ۷) خطایی، غلامحسین (۱۳۷۴) مرزبانی، تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- ۸) زتومکا، پیتر (۱۳۸۶) اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه: فاطمه گلابی، تبریز: نشر مترجم.
- ۹) زرقانی، سیدهادی؛ اعظمی، هادی؛ لطفی، امین (۱۳۹۲) بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز؛ نمونه موردی: مرزهای شرقی ایران (خراسان رضوی- افغانستان)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۷، شماره ۱، صص. ۸۳-۱۰۸.
- ۱۰) شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۷۶) بررسی نقش چند عامل در فرآیند رشد اجتماعی کودکان (جامعه‌پذیری)، تربیت، دوره ۱۰، شماره ۸۸، صص. ۶۳-۵۹.
- ۱۱) طالبی، ابوتراب و یوسف خوش‌بین (۱۳۹۰) مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، صص ۲۴۳-۲۱۰.
- ۱۲) قالیباف، محمدباقر؛ یاری شگفتی، اسلام؛ رمضان‌زاده لسبویی، مهدی (۱۳۸۷) تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها، مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، شماره ۲، صص. ۱۰-۳۲.
- ۱۳) قدمی، محسن و کوثر، زهرا (۱۳۹۲) تأثیر دولت الکترونیک بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فصلنامه مطالعات مدیریت، سال ۲۲، شماره ۷۱، صص. ۷۵-۱۰۴.
- ۱۴) میرحیدر، دره (۱۳۸۲) مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.



۱۵) یزدان‌پناه، لیلا و حکمت، فاطمه (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۱۵۰-۱۲۷.

- 16) Allen, A. & Mintrom, M. (2010) Responsibility and school governance, Educational Policy originally published online.
- 17) Arora, B. & Puranik, R. (2006) A review of corporate social responsibility in India, Development, Vol.47, No.3, pp.93-100.
- 18) Brunet-Jailly, E. (2005) Theorizing borders: An interdisciplinary perspective. Geopolitics, Vol.4, No.10, pp.633 – 649.
- 19) Curran, D., and Gleeson, J (2009), Cross-border population accessibility and regional growth: an Irish border region case study, National Institute for Regional and Spatial Analysis (NIRSA), working paper series, Vol.2, No.4, pp.1-24
- 20) Ford, M. (1985) “Social cognition and social competence in Adolescence”, Development Psychology, Vol.1, No.8, pp.323-340.
- 21) Helly, D. (2005) “Voluntary and social participation by people of immigrant origin: overview of Canadian research”, Second national metropolis conference, Immigrant and civic participation: contemporary policy and research issues, Montreal, November.
- 22) Laine, J (2007) Incommodious border? Rethinking the function of the Finnish-Russian border, Fennia, Vol.185, No.1, pp.49–62.
- 23) McCowan, T. (2009) Rethinking citizenship education: a curriculum for participatory democracy, Continuum International Publishing Group, India.
- 24) Miller, S. (2010) Social action: A teleological account, Published By The Press Syndicate Of The University Of Cambridge.
- 25) Moraczewska, A. (2010) the changing interpretation of border functions in international relations". Revista Română de Geografie Politică, Year XII, Vol.2, No.6, pp.329-359.
- 26) Narayan, S. (2003) border management of Nepal, Kathmandu, Nepal.
- 27) Silvia L. & Matus, M. & Louwagie, G. & Santini, F. & Guri, G. & Lazdinis, M. (2013) Challenges to participatory development in a

rural cross-border area of the western Balkans, *Economics of Agriculture*, Vol.49, No.1, pp.623-636.

- 28) Taylor, P. j (1991) *Political geography*. Second edition. UK: Longman Scientific and Technical.
- 29) Turner, B. & Rojek. C. (2001) *Society and culture: principles of scarcity and solidarity*, Published in association with *Theory, Culture & Society*, Nottingham Trent University SAGE Publications, ondon.
- 30) Weber, E. (2012) boundaries with ussues soft border management as a solution? "at: library.
- 31) Ziener, K. (2012) the czech-polish and Austrian-Slovenian borderlands – similarities and differences in the development and typology of regions, *Moravian Geographical reports*, Vol.20, No.3, pp.48- 68.